

برگزاری مراسم ختم قرآن کریم در تعمیر جدید وزارت عدلیه

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزى



وزارت عدلیه به منظور آغاز فعالیت های خویـش در تعمیر جدید این وزارت، مورخ ۳۰ جوزای ۱۳۹۸ مراسم ختم قرآن کریم را با اشتراک مقام ها و کارمندان این وزارت برگزار نمود.

داکتر عبدالصیر انور وزیر عدلیه وهیئت رهبری این وزارت در این مراسم، انتقال وزارت عدلیه را به این تعمیر مبارک باد گفته و برای کارمندان این وزارت در پیشبرد امور کاری ابراز مؤفقت کرد. وی افزود که وزارت عدلیه به عنوان یکی از بدنه های مهم نهادهای عدلی و قضایی در کشور برای تامین عدالت و

قانون مداری به سهم خویش، باید تلاش هایش را بیش تر نماید. گفتنی است که سنگ تهداب این تعمیر در سال ۱۳۹۳.ش از سوی استاد سرور دانش معاون دوم ریاست جمهوری گذاشته شد و در این مدت به کمک مالی بانک جهانی و دولت افغانستان و با تلاش های پیگیر مسوولان این وزارت به اتمام رسید.

● تتبع ونگارش: صفالرحمن سیفی

ضرر و انواع آن

ضرر از جمع اعمال مضره است که باعث تبارز مسئولیت برای عامل آن می شود. ضرر در لغت به معنی نقصان وارد بر شی یا خلاف نفع است. واژه ضرر در قرآن کریم به صورت مکرر به کار رفته است، طوری که در سوره هود آیه ۱۰ الله تبارک و تعالی بیان میدارد: ترجمه: "و اگر بعد از ضرری که به او رسیده، نعمتهایی به او بپشانیم، می گوید: «مشکلات از من برطرف شد، و دیگر باز نخواهد گشت!» و غرق شادی و غفلت و فخر فروشی می شود" و یا در سوره یونس آیه ۱۸ میفرماید: «آنها غیر از خدا، چیزهایی را می پرستند که نه به آنان ضرر می رساند، و نه سودی می بخشد؛» همچنان در احادیث نبوی نیز واژه ضرر استفاده گردیده است، طور نمونه: لاضرر ولاضرار فی الاسلام} ضرر رسانیدن و تحمل ضرر در اسلام جواز ندارد.

در اصطلاح فقهی ضرر عبارت از دست دادن چیزی است که انسان دارای آن بوده است؛ مانند جان، آبرو، مال، اعضا و عدم نفع. از منظر حقوق ضرر به هرگونه صدمه مادی یا معنوی وارده بر شخص گفته میشود. قانون مدنی افغانستان از ضرر تعریف نکرده است.

انواع ضرر:

ضرر به دو بخش تقسیم می شود ضرر مادی و ضرر معنوی بنا هریک را بصورت مجزا بیان میداریم.

۱. ضرر مادی:

ضرر مادی عبارت است از اخلاص به مصلحت مالی متضرر و یا به مفهوم دیگر ضرر مادی عبارت از اخلاص به مصلحت مشروع که دارای ارزش مالی باشد. پس اگر مصلحت نامشروع باشد ضرر آن قابل جبران نمی باشد؛ مانند زن که در قبال رابطه نامشروع با دوست پسرش، از وی پول یا هزینه زندگی دریافت کند. حال اگر کسی دوست پسر را به قتل رساند، مصلحت مالی زن را قطع کرده است. قطع نفقه و هزینه زندگی شخص در عرف ضرر مسلم است که جای شک و تردید نیست، به خصوص که زن منبع درآمد دیگری نداشته باشد؛ نظر به نامشروع بودن مصلحت، زن مستحق جبران خساره شناخته نمی شود.

ضرر رساندن به تمامیت جسمانی، سلامت جسمانی یا حقوق مالی شخص از مصادیق ضرر به مصلحت مشروع است. ضرر که قابل جبران است گاه تجاوز به حیات و تمامیت جسمانی شخص است، مانند قتل، و گاه تجاوز به سلامت جسمانی است مانند، قطع عضو، ضرب و جرح. قانون مدنی افغانستان در ماده ۷۷۴ مقرر می دارد: «شخصی که مرتکب فعل مضر از قبیل قتل، جرح، ضرب و یا دیگر انواع اذیت بر نفس گردد، به جبران خسارت وارده مکلف می باشد.»

و گاه اخلاص به حقوق مالی شخص است مانند ضرر رساندن به حقوق عینی یا حقوق شخصی. در ماده ۷۵۸ قانون مدنی آمده است: « شخصی که مال غیر را تلف نماید، به ضمان ضرر ناشی از آن ملکف می باشد.» به این سبب هر نوع ضرری که از طرف شخصی به غیر وارد گردد چه متوجه جان غیر باشد یا مال او قابل جبران دانسته می شود.

شرایط ضرر مادی قابل جبران:

باید یادآور شد که هر نوع ضرر قابل جبران نیست، صرفاً همان ضرر قابل جبران است که دارای شرایط آتی باشد.

۱. ضرر به مصلحت مشروع رسیده باشد؛

۲. ضرر مسلم باشد؛

۳. ضرر مستقیم باشد؛

۴. ضرر جبران ناشده باشد؛

۲. ضرر معنوی

ضرر معنوی عبارت از آسیب یا صدمه غیرمالی است که به جسم، آبرو، شرف، اعتبار، جایگاه اجتماعی، آزادی، عواطف و احساسات شخص وارد میگردد.

۱. ضرر معنوی که بر جسم وارد میگردد عبارت اند از جراحت های وارده بر جسم، درد و رنج حاصل از آن و نگرانی های بعدی آن . در صورت که برای درمان و بهبود آن نیاز به هزینه داشته باشد یا باعث کاهش توان کسب درآمد مادی گردد، از مصادیق ضرر مادی و معنوی به شمار می آید. اگر آثار و هزینه مادی نداشته باشد تنها ضرر معنوی محسوب میگردد.

آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او باز داشتند

به راستی آنان چه بد اعمالی انجام می دادند

در باره هیچ مؤمنی مراعات خویشاوندی و پیمانی را

نمی کنند و ایشان همان تجاوزکارانند

سوره التوبه آیه ۹ و ۱۰

حقوق طفل از دیدگاه قانون

● تتبع ونگارش : دردانه فضابنلی

طفل ذیلا می نویسد:

دول طرف کنوانسیون متعهد می شوند که بدون مداخله رنج آور حق طفل را در هویتش بشمول تابعیت، نام و نسب فامیلی آنطور که قانون مشخص می کند احترام بگذارند.

در جایی که یک طفل بصورت غیر قانونی از بعضی و یا تمام عناصر هویتش محروم می شود دول طرف کنوانسیون باید کمکها و حمایتهای لازم را به منظور اعاده هر چه زود تر هویت وی تدارک ببینند.

از مطالعه آیات قرآن کریم، احادیث نبوی ، مندرجات قانون حمایت طفل ، کنوانسیون حقوق طفل به این نتیجه می رسم که اولین مکلفیت والدین و قیم اطفال انتخاب یک نام خوب و با مفهوم است که باید برای نوزاد انتخاب نماید زیرا افراد با اسم است که از همدیگر مشخص می شوند مانند پیامران، مشاهیر و نوابغ جهان که امروز ما آنان را به اسم شان است که می شناسیم از قبیل: عیسی، موسی ، افلاطون،... حق داشتن تابعیت:

قبل از اینکه وارد بحث اصلی شویم تابعیت را تعریف می کنیم: " رابطه سیاسی ، حقوقی یا معنوی شخص با یک دولت معین می باشد بطوریکه حقوق و تکالیف اصلی شخص از همین رابطه ناشی می شود."

انواع تابعیت

تابعیت اصلی: تابعیتی است که با تولد شخص شروع شده و در طول زندگی او ادامه دارد. تابعیت اکتسابی: حالت اختیاری که برای شخص متقاضی از طرف دولت معین در مطابقت با احکام قانون اعطاء می گردد.

و فرزند وجود دارد. که هر یک از پدر و فرزند موظف اند به وظایف و حقوقی که بر عهده دارند به بهترین وجه عمل نمایند. حضرت امیر المومنین علیه السلام در نهج البلاغه به این حقوق و وظایف اشاره نموده و می فرماید: " بدرستی که فرزند بر پدر حقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقی دارد. حق پدر بر فرزند این است که در همه چیز جز در معصیت خدا او را اطاعت کند و حق فرزند بر پدر آنکه برای او نام نیک انتخاب کند و تربیتش را نیکو قرار دهد و قرآن را به او بیاموزد."

قانون حمایت طفل در ماده چهاردهم در باره حق داشتن نام ذیلا تصریح نموده است:

(۱) طفل از بدو تولد دارای حق داشتن نام مناسب می باشد.

(۲) والدین ، اولیا یا سرپرست قانونی طفل مکلف است بعد از تولد طفل برای وی نام مناسب انتخاب و هویت آن را مطابق احکام قانون در دفاتر مربوط ثبت نماید.

(۳) اسم طفل نباید دارای محتوای تحقیر آمیز یا توهین به کرامت وی یا مغایر با عقاید دینی باشد. (۴) هر گاه طفل به نامی که از جانب والدین، اولیا یا سرپرست قانونی او برایش انتخاب گردیده، رضایت نداشته باشد می تواند طبق احکام قانون نام خود را تغییر دهد.

هكذا کنوانسیون حقوق طفل در مواد ۷ و ۸ چنین می نگارد: دول طرف کنوانسیون باید اجرای این حقوق را مطابق به قوانین ملی و در چهارچوب اسناد بین المللی مربوط در این زمینه تضمین کنند بخصوص اگر عکس قضیه منجر به بی هویتی طفل شود. ماده هشتم این کنوانسیون در مورد نام و نسب

پدرانند حق انتخاب نوع تربیتی را که برای فرزندان خود می خواهند با مراعات منافع و آینده آنان در و پرتو ارزشهای اخلاقی و احکام شرعی دارند. ج: بر طبق احکام شرع فرزندان نسبت به والدین خود و اقوام نسبت به اقوام خود حقوقی بر گردن دارند.

همچنین بند الف ماده دوم اعلامیه اسلامی حقوق بشر در مورد زندگی و حیات ذیلا بیان می دارد: الف: زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است و بر همه افراد و جوامع و حکومت ها واجب است که از این حقوق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی جایز نیست .

قابل یاد آورiest که ماده سوم اعلامیه حقوق بشر حق حیات را ذیلا تعریف نموده است: " هر کس حق زندگی ، آزادی و امنیت شخصی دارد."

۲- حق داشتن نام:

ابتدایی ترین حق طفل از بدو تولد عبارت از داشتن نام، سجل و تابعیت می باشد. زیرا اغلب اسامی تاثیر گذار بوده و تبیین کننده شخصیت طفل خواهد شد. سفارشات موکد دین اسلام نیز بر انتخاب نام شائسته برای فرزند است . بر اساس روایات اسلامی رسول خدا نام بسیاری از افراد را که در دوره جاهلیت بصورت نا شائسته گذاشته شده بود عوض کردند و نام خوب و برازنده بر آنان نهادند. همچنان از رسول گرامی اسلام روایت شده است: " از جمله حقوق فرزند بر پدر سه چیز است اسم نیکو و زیبا ، تعلیم و تربیه و زمانی که بالغ شد همسری برای او بگیرد."

هم چنان در حدیث نبوی دیگر آمده است: "نخستین هدیه ای که هر یک از شما به فرزندش می بخشد نام خوب است پس بهترین نام را برای فرزند خود انتخاب کنید."

در دین اسلام حقوق و وظایف متقابلی میان پدر

در قرآن شریف یک سلسله نصوص و دستوراتی وجود دارد که بیانگر ارزش حیات انسان می باشد در سوره اسراء آیه ۲۱ چنین می خوانیم: " فرزندان خود را از ترس فقر و گرسنگی نکشید ، ما به آنها و شما روزی می دهیم ، زیرا کشتن آنها خطای بزرگ است."

آیه مبارکه به صراحت بیان می کند که والدین در قبال حیات و بقای اطفال شان مسئول بوده و موظف به مراقبت و نگهداری از آنان می باشد که وی را از خطرات تهدید کننده و یا امراضی که باعث نابودی طفل می گردد حفاظت نماید والدین و مسئولین ذیصلاح مسئولیت دارند که از طفل مراقبت نموده تا از گزند حوادث در امان بمانند. ماده سیزدهم قانون حمایت طفل در مورد حق حیات طفل ذیلا مشعر است:

(۱) - طفلی که زنده تولد می گردد، از حق طبیعی حیات به عنوان موهبت الهی برخوردار بوده و مطابق احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی مورد حمایت قرار می گیرد.

(۲) - وزارت ها و ادارات دولتی و غیر دولتی ذیربط مکلف اند به منظور تامین حق حیات و رشد سالم طفل تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نمایند. حق حیات یک بخشش الهی است و هیچ کس آنرا سلب نمی تواند در این قانون تمامی ادارات دولتی و غیر دولتی را مکلف به تامین حق حیات و رشد سالم اطفال نموده اند.

قابل یاد آورiest که در این زمینه ماده ۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر می نگارد: الف: هر کودکی از زمان تولد حقی بر گردن والدین خویش و جامعه و دولت در محافظت دوران طفولیت و تربیت نمودن و تامین مادی و بهداشتی و ادبی دارد. در ضمن باید از جنین و مادر نگهداری شود و مراقبت های ویژه نسبت به آن ها مبذول شود.

ب: پدران و کسانی که از نظر قانون و شرع به منزله

برنامه آگاهی عامه حقوقی در لیسه عالی علاوالدین

● گزارشگر: بشیر احمد عزیزی



حقوق طفل از دیگاه...

نمایشات و مواد بشكل مستهجن و عریان.

از مطالعه مواد فوق به این نتیجه می رسیم که متون قانون از اطفال در برابر بهره کشی جنسی حمایت نموده و هر گونه استعمار جنسی را منع قرار داده است.

منع آزار و اذیت طفل:

از حقوق اساسی دیگر طفل منع آزار و اذیت طفل می باشد .

اذیت در لغت به معای عذاب دادن، رنج دا دن ، شکنجه و عذاب در لغت نامه دهخدا آمده است.

آزار در لغت به معنای ، آسیب، رنج ، اذیت و شکنجه آمده است .

اذیت و آزار در لغت هم معنی هستند و در اصطلاح و عرف قضایی نیز این دو معنای یکسان دارند هر چند که برخی حقوق دانان عقیده دارند که آزار شدید تر از اذیت است .

قابل یاد آوریست که فقره ۷ ماده سوم قانون منع خشونت در مورد آزار و اذیت ذیلا صراحت دارد: " ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هر نحوی است که موجب صدمه به شخصیت ، جسم و روان..."

که در این زمینه ماده ۲۳ قانون حمایت طفل ذیلا صراحت دارد:

(۱)- اعمال هر نوع آزار و اذیت جسمی و روانی علیه طفل ممنوع می باشد.

(۲)- هیچ شخص نمی تواند سبب آزار و اذیت ، روحی ، جسمی یا روانی طفل گردد مرتکب مطابق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.

داشتن حق حضانت و رضاعت:

با توجه به ماده بیست و چهارم قانون حمایت طفل باید یاد آور شویم که طفل مطابق احکام قانون دارای حق حضانت، رضاعت، نفقه و حق بر خور داری از ولایت و وصایت می باشد.

"کلمه حضانت واژه عربی الاصل است که در لغت به معنای در آغوش گرفتن و پرورش دادن طفل آمده است معنای لغوی آن و تعریف اصطلاحی آن نیز نزدیک به نظر می رسد که وجه اشتراک آن بیشتر در نگهداری ، تربیه و پرورش طفل مشاهده می شود." کلمه حضانت در لغت به معنای در کنار گرفتن کودک ، پرورش دادن و پروریدن کودک است. در قاموس اصطلاحات حقوقی حضانت چنین تعریف شده است " حق نگهداری مادی و معنوی طفل توسط کسانیکه قانون تعیین کرده باشد ."

همچنین قانون مدنی در ماده ۲۳۶ حضانت را ذیلا تعریف نموده است:

"(۱) حضانت عبارت از حفاظت و پرورش طفل است در مدتیکه طفل به حفاظت و پرورش زن محتاج باشد.

(۲)حضانت حق اشخاصی است که به اساس این قانون تنظیم گردیده است."

نگهداری و حضانت طفل یکی از حقوق عمده و اساسی اطفال محسوب شده و در اکثر کشورهای جهان مورد توجه صاحب نظران ، مصلحان جامعه و قانونگذاران قرار گرفته است.

منابع و ماخذ:

قران شریف

حدیث نبوی

اعلامیه جهانی حقوق بشر

کنوانسیون حقوق طفل

۱۱- محل سکونت و وظیفه والدین طفل.

۱۲- گروپ خون.

۱۳- سایر معلومات که از طرف وزارت های امور داخله و صحت عامه لازم دانسته شود.

حق تغذیه با شیر مادر:

از حقوق اولیه طفل تغذیه با شیر مادر است اطباء تغذیه با شیر مادر راضمان صحت و سلامتی هر دو یعنی مادر و طفل می دانند و شیر مادر را موجب رشد فکری و ذهنی طفل محسوب نموده اند . سازمان جهانی بهداشت و یونیسف از تاریخ ۱۱- ۱۷ ماه اسد را هفته جهانی تغذیه با شیر مادر نام نهاده اند.

مزیت تغذیه با شیر مادر:

تغذیه با شیر مادر بسیاری از بیماریها را مانند اسهال، عفونتهای تنفسی را در کودکان کاهش می دهد. احتیال چاقی و اضافه وزن در کودکان را کم می کند. از طرف احتمال ابتلا به سرطان خون را ۱۹ در صد در کودکان کاهش داده و از اثرات مخرب آلودگی هوا را نیز خنثی می نماید. سیستم ایمنی بدن اطفال را تقویت نموده و باعث کاهش آسم و الرژی در طفل می گردد.

تغذیه با شیر مادر علاوه بر مزیتهای جسمی که برای طفل دارد باعث تقویت رابطه عاطفی بین مادر و فرزند شده و نیازهای احساسی کودک را نیز بر آورده می سازد.

طبییان تا شش ماه تغذیه اطفال را با شیر مادر کافی دانسته و بعد از آن است که غذاهای کمکی را پیشنهاد می کنند.

دین مبین اسلام و سازمان بهداشت جهانی و یونیسف مدت تغذیه با شیر مادر را دو سال و یا بیشتر از آن می دانند.

قابل یاد آوریست که ماده نزدهم قانون حمایت طفل در مورد تغذیه طفل با شیر مادر چنین می نگارد:

(۱)- طفل از بدو تولد حق دارد که با شیر مادر خود تا مدت دو سال تغذیه گردد مگر این که مادر وی عذر موجه داشته باشد.

(۲)- سایر امور مربوط به تغذیه طفل با شیر مادر طبق مقررره تغذیه طفل با شیر مادر تنظیم می گردد. منع بهره کشی از اطفال:

از جمله حقوق اساسی طفل منع بهره کشی از اطفال شمرده شده است مندرجات ماده بیست و دوم قانون حمایت طفل هر گونه بهره کشی اقتصادی و جنسی از اطفال را ممنوع شمرده است در ضمن وزارتها و ادارات دولتی ذیربط را مکلف ساخته است تا به منظور جلوگیری از بهره کشی اطفال تدابیر لازم را در نظر بگیرند.

همچنان در ماده سی و چهارم کنوانسیون حقوق طفل نگاشته اند که دولتهای طرف کنوانسیون باید تعهد کنند که از طفل در برابر همه نوع استثمار جنسی و سو استفاده جنسی حمایت نمایند و برای این منظور دولتها باید اقدامات لازم ملی دو جانبه و چند جانبه را روی دست بگیرند تا از وقوع موارد زیر جلوگیری گردد:

الف- ترغیب و ایجاد فشار بر طفل تا در هر نوع فعالیت جنسی غیر مجاز وارد گردد.

ب- استفاده استثمار جویانه از اطفال در فحشا (روسیگری) و دیگر اعمال جنسی غیر مجاز.

ج- استفاده استثمار جویانه از اطفال در اجرای

طفل، روز، تاریخ، جنس ، اسم، تخلص، نام والدین، تابعیت و محل اقامت و شغل والدین آن را در کارت مخصوص ثبت و به والدین اعطاء نمایند.

(۲)- اشخاص ذیل مکف اند ، از تولد طفل الی یکماه به نزدیک ترین اداره ثبت احوال نفوس اطلاع داده و کارت مخصوص ثبت تولد را اخذ نمایند:

۱- مسئولین مرکز صحتی که طفل در آن تولد شده است.

۲- خانواده طفل.

۳- ملک قریه یا وکیل گذر.

(۳)- کارت مخصوص ثبت تولدات از طرف اداره ثبت احوال نفوس تهیه و ترتیب شده و طوررایگان توزیع می گردد.

(۴)- طفلی که در مرکز صحتی تولد و در آن وفات نماید از تاریخ تولد و وفات وی به اداره ثبت احوال نفوس اطلاع دهد.

(۵)- هر گاه چنین قبل از تولد وفات نماید ابتدا ولادت وی ثبت و بعد وفات آن ثبت می گردد و در صورتیکه قبل از ماه ششم حاملگی وفات نموده باشد تنها وفات وی ثبت می گردد.

(۶)- در محلاتی که مرکز صحتی وجود نداشته باشد وکیل گذر مکلف است ولادت را ثبت و در مدت هفت روز از تاریخ ثبت، فورمه ثبت ولادت را به یکی از مراکز صحتی یا اداره ثبت احوال نفوس ارایه نماید.

(۷)- مرکز صحتی مکلف است فورمه ثبت ولادت را درمدت سه روز از تاریخ ثبت ولادت به اداره ثبت احوال نفوس مربوط ارسال نماید.

(۸)- طفلی که از تبعه افغان در خارج از کشور تولد شود والدین وی مکلف اند از تولد یا وفات طفل خود به نمایندگی سیاسی یا قنصلگری افغانستان مقیم خارج در خلال مدت سه ماه اطلاع داده یا در مدت سی روز از تاریخ ورود به کشور به اداره ثبت احوال نفوس اطلاع دهند.

(۹)- اداره ثبت احوال نفوس مکلف است با نظر داشت کارت تولد طفل مطابق احکام قانون ثبت احوال نفوس در مورد توزیع تذکره تابعیت برای وی اقدام نماید.

از مندرجات ماده مزبور به این نتیجه می رسیم که مسوولین مراکز صحتی خانواده ، ملک قریه و وکیل گذر موظف اند که به نزدیک ترین اداره ثبت احوال و نفوس الی یک ماه از تولد طفل خبر داده و کارت مخصوص ثبت تولد را اخذ نمایند. در این قسمت با صراحت می توان گفت که با عملی شدن این قانون دیگر اطفال این کشور در آینده با بحران هویت مواجه نخواهند شد.

ناگفته نباید گذاشت که ماده هجدهم این قانون محتویات فورمه ثبت تولد را چنین ذکر نموده است:

۱- نام و تخلص طفل.

۲- نام پدر.

۳- نام مادر.

۴- نام پدر کلان.

۵- تاریخ تولد.

۶- محل تولد.

۷- قومیت.

۸- ملت.

۹- سکونت.

۱۰- جنسیت (مذکر یا مونث)

اعضای مبلغین ساحوی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی وزارت عدلیه طبق پلان مطروحه ی شان روزیکشنبه مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۶به منظوراجرای برنامه ی آگاهی دهی حقوقی عازم لیسه عالی علاوالدین واقع ناحیه ششم شهرکابل گردیدند، برنامه متذکره با اشتراک شاگردان صنف ۱۲ الف، ۱۲ ب و ۱۲ ج اجرا گردید.موضوعات که برای آنها آگاهی داده شد چون: معرفی ریاست عمومی مساعدت های حقوقی، حقوق اساسی ووجایب اتباع، حقوق فامیل، قانون منع شکنجه وهمچنان یک مقدارمجموعه مقالات آگاهی عامه حقوقی ازطریق مدیریت تبلیغات ونشرات ریاست عمومی مساعدت های حقوقی برای کتابخانه لیسه مذکور تسلیم داده شد.هدف ازاجرای این برنامه بلند بردن سطح دانش حقوقی شاگردان لیسه متذکره وهچنان آشنایی آنها به یک سری قوانین نافذء کشورمییباشد.

تابعیت خاک: تابعیتی است که به اعتبار محل تولد شخص تثبیت گردد یعنی هر کس در محل که متولد شد تابعیت همان سرزمین را دارا می گردد.

تابعیت خون: تابعیتی است که به اعتبار نسب (تابعیت والدین) به شخص منتقل می گردد بدون توجه به آنکه شخص در کجا متولد گردیده است اینگونه تابعیت را تابعیت طبیعی نیز می نامند.

تابعیت مضاعف یا دوگانه: تابعیتی است که افراد بنا بر علل و اسباب مختلف همزمان در نتیجه پذیرش سیستم های مختلف اعطای تابعیت کسب می نماید.

تابعیت موثر: تابعیتی که قاضی از بین چند تابعیت که شخص دارنده آن است یکی از ترجیح داده و آنرا برای قانون قابل تطبیق اساس قرار می دهد.

تابعیت بیانگر رابطه حقوقی و معنوی شخص با یک دولت می باشد پس با توجه به ماده پانزدهم قانون حمایت طفل می توان گفت که طفل از بدو تولد دارای حق داشتن تابعیت می باشد. که امور مربوط به تابعیت طفل طبق احکام قانون مربوط تنظیم می گردد.

با در نظر داشت مواد ۷ و ۸ کنوانسیون حقوق طفل تابعیت را یاد آوری نموده است که دول طرف کنوانسیون باید آنرا را رعایت نماید.

هكذا اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده پانزدهم ذیلا تصریح می دارد:

۱-هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد.

۲- احدی را نمی توان خود سرانه از تابعیت خود یا از حق تغییر تابعیت محروم کرد.

با توجه به متون فوق تابعیت از حقوق اولیه طفل محسوب می گردد که باید والدین و سر پرستان در قسمت تابعیت طفل توجه نماید .

حق حفظ هویت و نسب:

یکی از حقوق اولیه طفل حفظ هویت و نسب وی می باشد که باید در هنگام تولد هویت و نسب وی حفظ گردد.

هویت مجموعه اوصاف ذاتی و مدنی شخص که معیار تفکیک اشخاص را تشکیل می دهد. مانند نام ، نام پدر، نام پدرکلان، نام مادر ، پسر یا دختر... می باشد .از طرفی هویت در بند بیست و یک ماده سوم قانون حمایت طفل چنین تعریف شده است:"شهرت مکمل شخص است که شامل اسم، تخلص، اسم پدر، اسم پدر کلان ، تاریخ تولد به تفکیک روز، ماه و سال، محل تولد، سکونت اصلی و سکونت فعلی می باشد."

همچنین نسب در بند بیستم ماده سوم قانون مذکورذیلا تعریف شده است:" عبارت از پیوند صلبی و بطنی با والدین است."

با توجه به تعریف فوق از هویت و نسب از مکلفیتهای والدین و سرپرستان است که هویت و نسب طفل را از زمان تولد برای طفل حفظ نموده و تا وی بتواند با هویت و نسب خویش در جامعه عرض اندام نموده و شناخته شود.

حق ثبت تولد:

ثبت تولد از جمله حقوق ذاتی و طبیعی طفل شمرده می شود که والدین ، سرپرستان و مسئولین ذیصلاح دولت حین متولد شدن طفل تولد وی را ثبت نماید.

در این مورد ماده هفدهم قانون حمایت طفل چنین تصریح می دارد:

(۱)- مسئولین مراکز صحتی مکلف اند حین تولد

ضرروانواع...

۲. ضرر معنوی که بر آبرو، شرف،

اعتبار و جایگاه اجتماعی شخص وارد میگردد؛ عبارت اند از فحش، ناسزا، هتک حرمت و ضرر رساندن به شهرت و اعتبار شخص از طریق بیان مطالبی که باعث لکه دار شدن شهرت و اعتبار او شود. قانون اجراءات جزایی در بند ۲ ماده ۲۰۱ خود بیان میکند: « متهم می‌تواند از مدعی حق العبدی جبران خسارتی که به اثر دعوای ناحق مدعی حق العبدی به وی وارد گردیده، در محکمه جزایی مطابق احکام قانون مطالبه نماید.» مثلاً: برعلیه شخصی به سبب جرم سرقت اقامه دعوی شود اما مدعی ادعا خود را ثابت کرده نتواند، اتهام وارده باعث خدشه‌دارشدن یا از بین رفتن آبرو و اعتبار اجتماعی شخص می‌شود، مطابق احکام فوق قانون اجراءات جزایی متهم بعد از برات حاصل نمود میتواند از کسیکه دعوی سرقت را مطرح ساخته است تقاضایی جبران خسارت معنوی را نماید.

۳. ضرر معنوی که بر عواطف و احساسات وارد میشود. عبارت از جداکردن طفل از مادر و اجازه ملاقات ندادن آنها یا تعدی و تجاوز به اطفال یا والدین یا زن و شوهر. همه این موارد ضرر معنوی به شمار می‌آید؛ زیرا عواطف و احساسات شخص را خدشه دار می سازد. همچنین، هر عملی که به باورهای دینی شخص صدمه زند، ضرر معنوی است.

۴. ضرر معنوی که از تجاوز به حق ثابت شخص ناشی میشود: همان ضرر وارده است که شخص از ناحیه وارد کردن شخص دیگر با زور به خانه و ملک خود با وجود مخالفت متقبل میشود. شخص متضرر می‌تواند ضرر معنوی ناشی از تجاوز به حق خود را از شخص ضار مطالبه نماید. اگر چه از این طریق هیچ ضرر معنوی را محتمل نشده باشد.

چگونگی جبران اضرار معنوی:

این بحث را با سوالی آغاز می‌نمایم؛ آیا ضرر معنوی قابل جبران است؟ جهت ارایه پاسخ مقنع و جامع وچگونگی جبران خسارت اضرار معنوی دو نظریه مطرح می گردد.

۱. نظریه اول: ضرر معنوی قابل جبران نیست در صورت که قابل جبران فرض گردد تعیین اندازه ضرر و میزان خساره قابل برآورد نیست. یعنی ضرر معنوی جنبه بیروی ندارد و نمی توانیم آن را مشخص و مقدر سازیم.

۲. نظریه دوم : ضرر معنوی قابل جبران است این نظریه را اکثریت قاطع علمای امروز قبول دارند، میگویند ضرر معنوی باید جبران گردد. قانون مدنی افغانستان از نظریه دوم پیروی نموده است و در ماده ۷۷۸ مقرر میدارد. « جبران خسارت شامل سنجش ضرر معنوی نیز می باشد – اگر به سبب وفات شخصی که مورد تعدی واقع گردیده، ضرر معنوی به زوج و اقارب وی عاید گردد، محکمه می تواند برای زوج و اقارب تا درجه دوم به جبران خسارت حکم نماید – جبران خسارت ناشی از ضرر معنوی به غیر انتقال نمی کند، مگر این که مقدار آن به اساس موافقه طرفین و یا حکم قطعی محکمه تعیین شده باشد.» در متن ماده متذکره کلمه زوج آمده است در حالیکه ممکن است ضرر به زوجه نیز وارد گردد یعنی ضرر تنها متوجه زوج بوده نمی تواند بلکه متوجه زوجه نیز می‌شود. بنأ این اشکال قانون است و باید به عوض کلمه زوج کلمه همسر که هر دو را شامل می شود آورده شود.

اعتراض که در زمینه جبران خساره معنوی صورت میگیرد عبارت از این است که ضرر معنوی طبیعتاً قابل جبران نیست و نمی توانیم ضرر را برآورد نمایم، مانند درد و رنج که به مادری از ناحیه از دست دادن فرزندش وارد گردیده یا شخصکه به ناموسش تجاوز شده و آبرو و حیثیتش از بین رفته است چگونه جبران کرد؟

به رد اعتراض فوق گفته می‌توانیم که هدف جبران ضرر معنوی این نیست که ضرر بطور کامل از بین برود؛ یا وجود ضرر معنوی محو و نابود گردد در حالیکه ضرر معنوی به وسیله جبران مادی از بین نمی رود، امثال بعضی از ضررهای مادی که به وسیله جبران مادی از بین نمی رود، مانند شخصی که دستش قطع گردیده یا پایش، با پرداخت جبران مادی سلامتی دست و پایش اعاده نمی گردد. هدف از جبران خسارات معنوی این است که بدل و عوضی در اختیار متضرر گذاشته شود تا درد و رنج وارده را کاهش بدهد و تسلی خاطر او گردد.

در نتیجه باید گفت که ضرر یک عمل خلاف قانون، شرع و جامعه است، که بصورت مادی و یا معنوی حادث میشود، قانون مدنی افغانستان هر دو نوع ضرر را قابل جبران دانسته است.

منابع

۱. قرآنکریم.

۲. احادیث نبوی.

۳. قانون مدنی افغانستان .

۴. کتاب مسئولیت مدنی غیر قراردادی اثر – عبدالحسین رسولی.

۵. الضرر فی الفقه اسلامی – احمد موافی.

اضرار ازدواج های پر...

درفسمت لباس عروس می گوید که لباس عروسی باید مطابق شریعت باموافقت طرفین از جانب داماد برای عروس تهیه شود.در قسمت تهیه جهیزیه دوطرفه ماده ۹ قانون عروسی می گوید که داماد،اولیا واقارب او می تواند برضا ورغبت خویش بدون تقاضای فامیل عروس مبلغی را به منظور تهیه جهیزیه بطرف عروس بپردازد.
همچنان اولیا واقارب عروس می توانند به رضایت خویش جهیزیه مناسب را به عروس هدیه نمایند.

قانون مذبورجهت تطبیق بهتربود این قانون مکلفیت های را بالای بعضی ارگانهای دولتی و نهادهای غیر دولتی که دراین راستا مسولیت دارندوضع نموده است.مثلا: ستره محکمه را مکلف ساخته است، در چوکات ریاست وثائقی وثبت اسناد خویش وثیقه نکاح خط را تر تیب نماید وبرای ملا امامان وعلمای دین واجد شرایط در مساجد وتکایا اجازه عقد نکاح وتحریر نکاح خط عرفی را صادر نماید.

همچنان اداره هوتل‌ها، سالون‌ها و رستورانتهارامکلف ساخته اند که از پذیرش بیش از ۵۰۰ نفررانپذیرند وازپذیرش مهمان بدون کارت، استفاده از مشروبات الکلی و فلمبرداری به‌جز از فامیل داماد و عروس جلوگیری نموده، غذا ها را مطابق قانون تهیه کنند.

چنانچه مادهٔ هجدهم قانون عروسی اداره هوتل ها، سالون ها و رستورانت ها را به موارد ذیل مکلف می گرداند:

(۱)ادارهٔ هوتل ها، سالون ها و رستورانت های عروسی به رعایت موارد ذیل مکلف می باشند:

۱- امتناع از پذیرش بیش از (۵۰۰) نفر مدعوین در محافل عروسی .

۲- امتناع از پذیرش مدعوین بدون کارت دعوت در محفل.

۳- تهیه غذا مطابق مینوی معینهٔ مادهٔ (۱۷) این قانون.

۴- اجتناب از برگزاری محافل مندرج مادهٔ چهارم این قانون.

۵- جلو گیری از تدویر محافل مختلط ذکور و اثاث.

۶- جلوگیری از موجودیت و استفاده مشروبات الکولی، استعمال دخانیات و سایر مواد نشه آور وورود اشخاص مست ودر حال نشه در هوتل ها و سالون ها و رستورانت ها.

۷- جلوگیری از فلم برداری در محافل عروسی به استثنای فامیل های عروس و داماد.

۸- جلوگیری از ادامه محفل بعد از ساعت (۱۱) شب.

۹- همکاری با مؤ ظفین شاروالی و اتحادیهٔ پیشه وران و مراجع امنیتی در امر کنترل محافل در حدود احکام این قانون.

همچنین قانون تصریح کرده که اداره هوتل نمی‌تواند پول اضافی را به‌عنوان تزئین هوتل و سایر خدمات از مشتری بگیرد.

ماده نهمین این قانون در مورد ذیلا بیان می دارد :

" ادارهٔ هوتل، سالون و رستورانت نمی تواند پول اضافی را به عنوان تزئین هوتل یا سایر خدمات از مشتری اخذ نماید."

طبق حکم این ماده اداره هوتل ،سالون ورستورانت ها نمیتواند بنام اجراالت خدمات اضافی مانند: گرفتن پول اضافی بنام های سرویس نان، دیکوریشن ستیزعروس وداماد وامثال آن از مشتری یعنی محفل دار اخذ نماید.

هرگاه از طرف مسؤولان ادارهٔ هوتل ها، سالون ها و رستورانت ها از احکام این قانون تخلف صورت گیرد طبق حکم مادهٔ بیست و دوم این قانون، حسب ذیل تادیب می گردد:

۱- در صورت تخلف بار اول مبلغ سی هزار (۳۰۰۰۰) افغانی.

۲- در صورت تخلف بار دوم مسدود نمودن هوتل، سالون و رستورانت برای مدت یک ماه.

۳- در صورت تخلف بار سوم سلب جواز فعالیت هوتل، سالون و رستورانت.

مبلغ مندرج مادهٔ بیست و دوم این قانون از طرف شاروالی مربوطه تحویل و به حساب عواید شاروالی تحویل بانک می گردد.

در ضمن قانون مذبور ادارهٔ هوتل ها، سالون ها و رستورانت هایکه پذیرایی از محافل را می نمایند مکلف نموده تا از مصارف گزاف و هزینه های بی مورد رسم و رسوم که باعث ضعف اقتصادی، ترویج اعمال رقابت های ناسالم اقتصادی وفرهنگی گردد، جلوگیری نمایند..

از مطالعه موارد فوق برمی آید که اضرار ازدواج های پرهزینه زیاد بوده که بعد از عروسی باعث برونهمشکلات گوناگون واثرات ناگوار به زندگی آنها می گردد.بنابراین ملحوظ جهت حمایت ازخانواده راهرکارهای قانون وضع گردیده است که بایزروی آزان میتوانند جلو مصارف گزاف عروسی را بگیرند. در ضمن مسولیت ما در قبال فرزندان خویش وتحقق احکام این قانوناین امرست که باید از پیروی رسم و رواج ها ی ناپسند ومصارف گزاف خوداری نموده وتحت تاثیررسم و رواج های نا پسند قرار نگیریم .

منابع وماخذ:

قانون مراسم عروسی.

حقوق فامیل ،عبدالخواه عبدالقادر .

حقوق فامیل، نظام الدین عبدالله .

سال سیزده هم

یک عروسی

عروسی در ایران

عروسی در ایران

عروسی در ایران

عروسی در ایران

عروسی در ایران

-نحوه جمع آوری زمان و مکان انتقال زباله های جمع آوری شده .

از مندرجات ماده فوق به این نتیجه می رسیم که کارمندان شاروالی باید توجه داشته باشند که در هنگام جمع آوری زباله ها زمان و مکان مناسب را در نظر داشته باشند بطور مثال در ساعات اولیه روز اگر این کار محقق شود حتما تمام زباله ها از منازل جمع آوری شده و پا در نظر گرفتن مکان مناسب برای محو زباله ها می توانند در پاکیزگی شهر و کوچه ها نقش موثر خود را ایفا نمایند.

(۳) شخص که از لوايح و طرزالعمل های مندرج فقره (۲) این ماده تخلف ورزد متخلف شمرده شده مکلف به پرداخت جریمه نقدی مطابق سند تقنینی مربوط می باشد.

(۴) زباله خانگی از مکان های ذیل حاصل می شود:

۱- منازل رهايشی.

۲- خانه های قابل انتقال.

۳- موسسات تعلیمی و تحصیلی دولتی و خصوصی.

(۵) زباله های صنعتی از مکانهای ذیل حاصل می شود:

۱- فابریکه های تولیدی.

۲- محلات عرضه خدمات ترانسپورتی .

۳- محلات عرضه گاز ، اب و برق.

۴- محلات عرضه خدمات پسته رسانی یا مخابراتی .

۵-محلات استخراج معادن.

(۶) زباله های تجارتی از مکان های ذیل حاصل می شود:

۱-محلات تجارتی.

۲- ورزشگاه.

۳- تفریحگاه ها .

(۷) زباله خشک قابل باز یافت از اشیای ذیل حاصل می شود:

۱- شیشه

۲-فلزات

۳- پلاستیک

۴- کاغذ به شمول کارتن و مقوا.

البته نا گفته نباید گذشت که در سایر کشور ها زباله دانی جداگانه برای جمع آوری زباله های شیشه ، پلاستیک ، فلزات و کاغذ دارند که هر یک بطور مجزا قابلیت باز یافت را دارند و دوباره زباله های متذکره را وارد مدار استفاده در موارد خاص خود می نمایند مثلا از زباله های شیشه دوباره بوتل های شیشه ای ساخته و وارد بازار می گردانند همچنان از فلزات . اما در کشور ما تا حال دانی های جدا گانه برای شیشه ، فلزات ، پلاستیک و کاغذ از طرف شاروالی در نظر گرفته نشده است

فصل دوم باب چهارم کتاب اول کود جزاء جزاء ، انواع آن وتدائیر تامینی را به بحث گرفته از موضوعات چون : جزاء ، اهداف جزاء ، ممنوعیت تعیین جزای مخالف کرامت انسانی و انواع جزاء را تذکرداده وجزاء را عبارت از مؤثیده ای دانسته است که در قانون برای اعمال جرمی پیش بینی شده واز طرف محکمه در مورد مرتکب با رعایت اساسات این قانون ، حکم می شود.

فصل دوم باب چهارم کتاب اول کود مذکور انواع جزاء را که شامل جزاهای اصلی ، تبعی وتکمیلی می باشد به بحث گرفته جزای اصلی را شامل جزای نقدی ، حبس و اعدام دانسته است.

جزاهای نقدی :

جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت . جزای نقدی شامل نوعیت جزای نقدی وحد اقل آن ، رعایت شرایط جزای نقدی ، افزایش جزای نقدی ، عدم تعیین جزای نقدی در جرم جنایت وپرداخت جزای نقدی میشود.

حبس:

انواع حبس را که تقسیم بندی شده به حبس قصیر ، حبس متوسط ، حبس طویل ، حبس دوام درجه ۲ وحبس دوام درجه۱ ومدت حبس را دراین فصل شرح داده است .

بدین ترتیب در فصل مذکور زیر عنوان فرع اول از جزاهای بدیل حبس ، تعیین جزاهای بدیل حبس ، انواع جزاهای بدیل حبس ، ساحت تطبیق جزاهای بدیل حبس ، ارتکاب جرم حین سپری نمودن جزاهای بدیل حبس ، عدم استفاده از جزاهای بدیل حبس در صورت تخفیف ، مشخص ساختن مرجع نظارت کننده بدیل حبس ، تفهیم نتایج عدم رعایت دساتیر محکمه ، موانع تطبیق بدیل حبس ، طرز تطبیق جزاهای بدیل حبس را شرح ویدیل حبس را جزای دانسته که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می شود.

در فرع دوم فصل مذکور از موارد مراقبت ، عدم رعایت حکم محکمه از طرف محکوم علیه ، کاهش دوره مراقبت ، چگونگی مراقبت و نظارت بر محکوم علیه یاد آوری شده ، دوره مراقبت را مدتی دانسته که طی آن محکمه شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حد اکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم می نماید:

اقامت در محل معین ، منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین ، ملزم ساختن به اشتراک در جلسات مشاورتی ماهانه یا کمتر از آن، حرفه آموزی یا گذران دوره های آموزشی ومهارتی ، مساعدت به مجنی علیه در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم و کسب رضایت مجنی علیه ، حضری دادن به دفتر پولیس یا مرععی که محکمه تعیین می نماید، ترک معاشرت با اشخاصی که محکمه معاشرت

که امید واریم در آینده نه چندان دور این امر از سوی این نهاد محترم تحقق یابد .
از طرف می توان گفت که چپلاقهای پلاستیکی کته باز یافت شده و مجدد وارد بازار می شوند به همین منوال از کاغذ وکارتن باز یافت شده و از ان استفاده به عمل می آید.

(۸)زباله های غذایی از مواد ذیل حاصل می شود
۱- زباله های کنترل شده که به منظور استفاده انسان ها تولید شده باشد (حتی اگر دارای ارزش غذایی نباشد).

۲- زباله های تجزیه پذیر که در نتیجه پروسس یا تهیه غذا تولید شده باشد به استثنای نوشیدنی ها.

(۹)شاروالی مکلف به انتقال و محو زباله های طبی غی باشد.

در قسمت محو زباله های طبی که البته احتیاط لازم را ایجاب می نماید شاروالی مکلف به انتقال و محو انان غی باشد . زیرا جمع آوری این زباله ها شرایط خاص خود را می طلبد.
گرچه مسلمانان بر این عقیده اند که نظافت جز ایمان است و هر مسلمان موظف است که پاکی و سترگی را در محول خود و بخصوص همه جا مانند اماکن عمومی و خصوصی رعایت نموده و اشیای ملوث و زباله های خانگی را از محیط زیست خود دور نمایند. ولی با آن هم ماده ۱۵۵ قانون شاروالی در مورد جمع آوری و محو زباله ها ذیلا اشعار می دارد:

(۱)شاروالی مکلف است جهت جمع آوری زباله های خانگی در ساحت مربوط از سیستم جمع آوری اجتماعی یا سیستم جمع آوری دروازه به دروازه در محلات دور افتاده یا غیر قابل دسترسی یا محلات که مصارف جمع آوری زباله ها در آن جا غیر قابل قبول باشد استفاده می شود.

(۲) شاروالی می تواند در صورت حصول اطمینان از مدیریت سام زباله ها توسط شخصی که کنترل ان را به عهده دارد جمع آوری و محو آن را نیز به وی واگذار نماید.

(۳)شاروالی مکلف است زباله ها را از زباله دانی ها در ساحت مربوط روزانه جمع آوری نموده و از پاک نگهداشتن زباله دانی ها اطمینان حاصل نماید.

(۴) طرز جمع آوری زباله ها و سایر امور مربوط به

آن ها در طرزالعمل مربوط تنظیم می گردد.

(۵) شاروالی می تواند در صورت در خواست

ساکتین شهر، جهت جمع آوری زباله های تجارتی

، قابل باز یافت ، بقایای مواد غذایی و زباله های

صنعتی اقدامات لازم را اتخاذ نماید.

(۶) شخص که بر مبنای تقاضای وی زباله های

مندرج فقره (۵) این ماده جمع آوری شده است مسول پرداخت مصارف جمع آوری و محو زباله ها به آن شاروالی می باشد که آن را جمع آوری نموده است.

(۷) شاروالی اندازه مصارف جمع آوری و محو زباله های مندرج فقره (۶) این ماده را در لایحه مربوط تنظیم می نماید.

(۸) شاروالی جسد حیوانات مرده را که در کنار جاده ها ، ساختمانها، اماکن عمومی و خصوصی و سایر اماکن موجود باشد جمع آوری انتقال و دفن می نماید.

(۹) شاروالی ها زباله ها یا خاکستر های را که قابلیت جمع کردن در مخازن را داشته یا جمع آوری انها در لوايح وضع شده مربوط پیش بینی شده باشد جمع آوری و کنترل می نماید.

از جمله وظایف دیگر شاروالی در راستای ر فح ضرورت شهروندان ایجاد تشناب ها می باشد که باید در مکانهای مناسب اقدام به ساختن تشناب های زنانه و مردانه نموده تا ازالودگی از شهر چیده شود چنانچه ماده ۱۵۶ قانون شاروالی در این زمینه ذیلا صراحت دارد:

(۱)شاروالی می تواند در ساحت مربوط تشناب های سیار را یجاد نماید.

(۲) شاروالی می تواند به در خواست ساکتین محل ، مخازن تشناب های سیار یا سایر تشناب ها را در بدل مبلغ که اندازه ان در لایحه مربوط پیش بینی می گردد تخلیه و انتقال نماید.

(۳) هر گاه شخص عنوانی شاروالی تقاضای کنترل و تخلیه تشنابهای سیار را که جهت استفاده عامه اختصاص یافته داشته باشد در این صورت جهت از بین بردن مواد چاه بدررفت در بدل پرداخت مبلغی نظргرفتن پرداخت مبلغی اقدام می نماید که در لایحه وض شده شاروالی پیش بینی شده باشد.

(۴) شخصی که کنترل تخلیه چاه های بدرفت چندین منزل را به عهده دارد مکلف است جهت از بین بردن مواد چاه بدرفت به عنوان شاروالی و بادر نظргرفتن پرداخت مبلغی اقدام می نماید که در لایحه وض شده شاروالی پیش بینی شده باشد.

(۵) شاروالی خاک روبه ها و سایر زباله ها را در جریان شب به شکل منظم جمع آوری و انتقال می نماید.

(۶) شاروالی می تواند در صورت تقاضای شخص که در ساحت مربوط دارای تشناب های سیار و مخازن آن می باشد در بدل پرداخت مبلغی پیش بینی شده در لایحه مربوط مواد فاضله آنها را تخلیه و انتقال نماید.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

فصل پنجم
موضوعات
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.
موضوعات این کتاب در مورد انواع مجازات های تعزیری و تعزیرات منکره است.

عوایند و وظایف...

(۷) شاروالی می تواند به اثر تقاضای شخص که در ساحت شاروالی تشناب های سیار و مخازن ان را در اختیار دارد تشناب های سیار و مخازن ان را در بدل اخذ قیس که اندازه ان در لایحه وضع شده شاروالی پیش بین شده است تخلیه نماید.

از زمره وظایف دیگر شاروالی محو زباله های جمع آوری شده از اطراف و اکناف شهرها است که باید در یک مکان مناسب مشخص شده جمع آوری و انتقال داده شود. چنانکه ماده ۱۵۷ در این باره می نکارد:

(۱)نواحی مکلف اند زباله های جمع آوری شده را به محل که توسط شاروالی ها به این منظور مشخص شده است انتقال دهند.

(۲) شاروالی مکلف است زباله های جمع آوری شده ساحت مربوط را محو نماید.

(۳) شاروالی ها در محدوده شاروالی قرار داشته زباله های خانگی جمع آوری شده توسط ساکتین محل مربوط تعیین می نماید.

(۴) شاروالی در تعیین مکان های مندرج فقره (۳) این ماده موارد ذیل را رعایت می نماید:

۱-مکان ها در محدوده شاروالی قرار داشته باشد یا قابل دسترس برای ساکتین محل مربوط باشد.

۲-مکان ها تعیین شده در تمامی اوقات برای محو و انتقال زباله ها قابل دسترس باشد.

۳- مکانهای تعیین شده که ایجاب مصرف را نه نماید.

(۵) شخص که زباله های خانگی را در مکانهای مندرج فقره (۴) این ماده انتقال می نماید مکلف به پرداخت مبلغ تعیین شده در لایحه مربوط به شاروالی می باشد.

از مطالعه متون فوق به این نتیجه می رسیم که قانون شاروالی برای کارمندان این نهاد کاملا مشخص نموده است که مطابق لوايح و طرزالعمل ویژه این ارگان محصول و فیس های را که در قانون متذکره یاد آوری نموده است جمع آوری نماید .

مطالب دیگر که باید مسوولین شاروالی به ان عمل نمایند نظریف شهر ، جمع آوری انواع زباله ها ، محو زباله ها ، اعمار ، ترمیم پل ها و سرکها ، پاک کاری مجرای اب و فاضلات و سایر موارد از جمله کارهایست که شاروالی موظف به انجام ان می باشد.

منابع و ماخذ:

حدیث نبوی

قانون شاروالی

سایت ویکی پدیا

قانون اساسی

- فیض الله خواجه آمانی

اشیاء ، مسدود ساختن محل، متوقف ساختن فعالیت شخص حقیقی ، متوقف ساختن فعالیت شخص حکمی دانسته است.

فصل ششم باب مذکور تعیین جزا و رعایت احوال مخفقه ومشده در شرح واز رعایت اصول وقواعد در تعیین جزا ، مکلفیت محکمه در تعیین جزا ، اجماع احوال مخفقه ومشده در نام برده است.

در قسمت دوم فصل ششم فوق الذکر معاذیر قانونی واحوال مخفقه قضایی را تذکر واز معاذیر قانونی ، احوال مخفقه مسئولیت جزایی وانواع آن ، آثار احوال مخفقه در تعیین جزای جنایت ، آثار احوال مخفقه در تعیین جزای جنحه وذکر دلایل تخفیف جزا در حکم را ذکر ومعاذیر قانونی را چنین شرح داده است:

" معاذیر قانونی ، حالات ومواردی است که موجب معافیت ، تخفیف جزا ویا تبریة از جزا می گردد."

در قسمت سوم فصل مذکور از احوال مشدهه عمومی مسئولیت جزایی وانواع آن ، انواع حالات مشدهه ، تشدید جزا در احوال مشدهه ودلیل تشدید جزا در حکم را بیان وانواع حالات مشدهه را چنین تذکر داده است :

" ارتکاب جرم با انگیزه دنی ومنحط ، ارتکاب جرم با استفاده از ناتوانی جسمی یا روانی مجنی علیه ، ار تکاب جرم طور وشیانیه یا مثله نمودن مجنی علیه ، ارتکاب جرم از طرف موظف خدمات عامه با استفاده از وظیفه ، موقف ویا نفوذ ، ارتکاب جرم از طرف شخصی که موظف به حفظ تمامیت جسمی ، روانی ، آزادی ونگهداری مال مجنی علیه باشد، ارتکاب جرم با استفاده از ضعف حالت اقتصادی مجنی علیه ، ارتکاب جرم توسط شخصی که مواد مخدر یا مسکر را به قصد انجام جرم استعمال نموده باشد، ار تکاب جرم به سبب تعصبات نژادی ، قومی، دینی ، مذهبی ، جنسیتی، سمتی ، موقف اجتماعی یا اندیشه سیاسی وسایر حالات که در این قانون پیشبینی گردیده است.

فصل هفتم باب چهارم کتاب اول کود جزا تعلیق تنفیذ حکم را تذکر داده از مفهوم تعلیق حکم ، تعلیق تنفیذ حکم جزای نقدی ، احوال تعلیق تنفیذ حکم، ذکر دلیل تعلیق تنفیذ جزا ، کاهش مدت تعلیق جزا قبل از اکمال آن ،مدت تعلیق تنفیذ ، تعلیق جزاهای تکمیلی وتدائیر تا مینی ، تاثیر مدت تعلیق بر تدائیر تامینی ،تعلیق تدائیر تا مینی ، حالات الغای تعلیق تنفیذ حکم ، محکمه ذیصلاح الغای تعلیق تنفیذ ، تاثیر الغای تعلیق تنفیذ حکم ، ارتکاب جرم در مدت تعلیق حکم ، ختم مدت تعلیق وآثار آن ، تعلیق ماده تنفیذ حکم و تعلیق مشروط تنفیذ حکم یاد آورنده تعلیق تنفیذ حکم را حالتی دانسته که محکمه از اسباب تعلیق تطبیق حکم را بالای متهم در جرایمی که جزای آن حبس تا پنج سال باشد، با نظر داشت موجودیت یکی از اسباب تعلیق تنفیذ حکم مندرج این فصل ، تا مدت پنج سال تعلیق می نماید.

ادامه دارد...

سفر دکتر ذکیه عادلۍ معین امور اجتماعی وزارت عدلیه در رأس یک هیأت به کشور گرجستان

تتبع و نگارش: گلالی سنگرخیل عزیزی

انسانها جهت امرار حیات نیاز به ضرورت های زندگی از جمله خوراک، پوشاک، امنیت، خواب و نیازهای عاطفی و تداوم نسل از جمله نیازهای اولیه زندگی را دارند. با نبود هریک از این موارد، زندگی انسان با چالش هاروبرو می شود و گاهیهم متلاشی شده، فرو می پاشد. انسان موجود است که برعلاوه برآورده شدن نیازهای بیرونی، احتیاج بس شدیدی به برآورده شدن نیازهای درونی، عاطفی دارد. با فرا رسیدن دوران بلوغ، انسان ها باید ازدواج نموده نیازهای جنسی شان را برآورده سازند، در غیر آن صورت برای انسان، اختلال مختلف پیش می آید. افراد که نیازهای جنسی شان برآورده نمی شوند، توازن جسمی و روحی شان برهم می خوردن و سرانجام عرضه اختلال در شخصیت وی پدید می آید. سرکوب غریزه های جنسی، باعث شکل گیری عقده های جنسی می شود که بسیارخطرناک است.

در اثر رسم و رواج های نا پسند، پرداخت پول وامتعته هنگفت بدون رضایت داماد بنام های طویانه(شیر بهاولور، قلین ، گله ،پیشکش) جهیزیه دوطرفه،خرید وپردن تحایف بنام های عیدی ،براتی ونوروزی همه این مسایل، ازدواج رانهایت دشوار و حتا ناممکن گردانیده است.جوانان بی بضاعت، با وجود این رسم و رواج های ناروا و مصارف گزاف ، ناگزیر هستند که ازدواج نکنند؛ چون تاوان پوره نمودن مصارف این نوع ازدواج را ندارند.

همچنین جوانان قادر نیستند که عروسی شان را در تالارهای عروسی بگیرند، طلاهای آن چنانی بخرند؛ لباس های عروسی که تا مرز ۲۵ هزار کرایه می شود، به کرایه بگیرند؛ لباس های رنگارنگ و قیمتی برای تمام خویشانودان عروس تهیه کنند؛ در جشن عروسی شان چند صد نفر را دعوت نمایند واز طرف دیگر، خانواده ی دختر و دختر حاضرغی شود که به صورت ساده و معمولی در خانه جشن عروسی شان گرفته شود. این مسأله متأسفانه یکی از بزرگترین نقاط ضعف ما در برخورد با جشن عروسی و مسایل مربوط به آن است. غیرت بیجا و هم چشمی های ما با دیگران نمی گذارد که از راه و رسم نادرست ومصارف گزاف بگذریم.بنابر این جوانان بی در آمد و کم اقتصاد ناگزیر می شوند که ازدواج نکنند، چون در توان شان نیست.

فرو افتادن تعداد زیادی از جوانان در کام فساد اخلاقی و خیانت های جنسی، از همین رسم و رواج های کمرشکن عروسی، سرچشمه می گیرد. جوانان وقتی می بینند که توانایی پرداخت مصارف عروسی را ندارند.

آن دسته از جوانانی که خودشان را به آب و آتش زده، مصارف کمرشکن ازدواج را پیدا می کنند، با چالش های متعدد دیگری پس از ازدواج روبرو می شوند. پول های که با مدت چندین سال و با نهایت سختی به دست آوردند ، مصرف یک روزه ی عروسی می شود. جوانان پس از عروسی هم نیاز به پول و مصارف روزانه زندگی دارند. ناگزیر هستند که برای تأمین مصارف زندگی، دوباره راهی کشورهای دیگر شوند. در نتیجه عروسی شان تبدیل می شود به ضربه ی سخت اقتصادی و عاطفی. زخمی در درون دختر و پسر ایجاد می کند که به آسانی التیام پذیر نیست. این آسیب یا ضربه ی عاطفی گاهی منجر به یأس و سردرگمی و گاهی هم منجر به فساد اخلاقی و آسیب های کشنده ی دیگر می شود.

ریشه همه ای این بد بختی ها و نابه سامانی ها بر می گردد، بر عنعنه نادرست و پرهزینه جشن عروسی، در حالیکه هیچ کدام این رسم و رواج ها شرعی وقانونی نیست. هیچ دلیل و توجیه منطقی برای الزامی بودن آن وجود ندارد. ازاینکه موضوع فوق را غیر قانونی خواندیم این مطلب در ماده (۴) قانون مراسم عروسی، برای جلوگیری از ین مصارف محافل ذیل را در هوتل ها، سالون ها ورستوران ها منع کرده است: "محافل لفظ گیری ، نامزادی ویا شیرینی خوری، خویش خوری ،شب حنا، تخت جمعی پایوازی، شب شش، سال گیره،نام گذاری وکاکل گیری طفل، ختنه سوری، باز گشت از حج سفر وفراغت از تحصیل در هوتل ها ، سالون ها ورستوران ها بر گزار شده نمی توانند.

نمایش جهیزیه به دیگران ممنوع می باشد."

باوجود ممنوع قراردادن همچو محافل در هوتل ها وپرداخت مصارف گزاف که آن را با یک عالم سختی ومشقت، درد ورنج به دست آورده است آن را درمحفل و جشن یک روزه به نام های گوناگون مصرف نموده یک عمر زندگی را ویران می کنند. یک عمر زندگی دختر و پسر، ارزشمند تر و حیاتی تر از برگزاری جشن های پرهزینه ی عروسی است. در هیچ جای دنیا مراسم عروسی به این همه مصارف بی جا نیست.باوجود یکه قانون مراسم عروسی وضع ونافذ است.برگزاری عروسی را قانونمند ساخته ورسم ورواجهای ناپسند را ممنوع وموینداتی در مورد متخلفین آن وضع نموده است.مثلاً : در مورد طویانه می گوید که اولیای واقارب عروس نمیتواند پول ویا امتعه را بنام طویانه به صورت اجبار تحمیل ومطالبه نمایند. همین گونه منع مطالبه تحایف بشکل تحمیلی وچپری از قبیل عیدی، براتی، رضانی، نوروزی وامثال آن.

ادامه در صفحه ۳

گزارشگر: بشیر احمد عزیزی

دکتر محترم ذکیه عادلۍ معین امور اجتماعی وزارت عدلیه در رأس یک هیأت به کشور گرجستان سفر نمودند این سفر به منظورانتقال و تبادل تجارب میان هیئت بلند پایه ای گرجستان وافغانستان دربخش های مختلف عدلی وقضایی صورت گرفته وامیدواریم که نتایج موثرومثبت آن درآینده نزدیک دربخش های عدلی وقضایی کشور هویدا گردد. محترم ذکیه عادلۍ معین محترم امور اجتماعی وزارت عدلیه با هم تای گرجستانی اش درپیوند به موضوعات مهم چون حقوق بشر، ثبت نهادهای اجتماعی واحزاب سیاسی وهمچنان مساعدت های حقوقی نیزگفت وگو نمودند. محترم ذکیه عادلۍ معین محترم امور اجتماعی وزارت عدلیه وهئیت همراه با اداره حقوق بشر، اداره مساعدت های حقوقی، شبکه مساعدين حقوقی، انجمن مستقل وکلای مدافع و اداره ثبت احزاب سیاسی گرجستان دیدارنموده وپیرامون موضوعات ذیعلاقه صحبت نمودند.

عوايد و وظائف شاروالۍ

تتبع و نگارش: بشیراحمد عزیزی

- ۱- محصول صفایی.
- ۲- محصول خدمات شهری.
- ۳- محصول حفاظت و مراقبت سرک های داخل.
- ۴- شهر طبق تفاهمنامه با وزارت امور داخله.
- ۵- محصول لوحه ها و اشتهارات.
- ۶- محصول ثبت قبالة و انتقال ملکیتها .
- ۷- محصول سند ملکیت.
- ۸- محصول عرضه خدمات انجنیری.
- ۹- محصول تهجایی.
- ۱۰- محصول قیمت فورمه ها .
- ۱۱- فیس فروش نقشه های رهایی، تجارتی، صنعتی و نقشه های ادارات دولتی.
- ۱۲- کرایه وسایط نقلیه مربوط.
- ۱۳- فیس گروهی موسیقی مربوط.
- ۱۴- عواید اجاره یا کرایه ملکیتهای سرمایوی مربوط.
- ۱۵- فیس صدور اجازه ساختمان.
- ۱۶- فیس در خواست نقشه های تعمیراتی.
- ۱۷- فیس تغییر نام دکان.
- ۱۸- فیس مارکیت ها.
- (۲) اندازه محصول و سایر عواید مندرج فقره (۱) این ماده در سند تقنینی مربوط تنظیم می گردد.
- (۳) اداره ارگانهای محلی می تواند در انواع و اندازه های محصولات و فیس های مندرج فقره (۱) این ماده با در نظر داشت نوسانات اقتصادی در تفاهمی با سکتور خصوصی و موافقه وزارت مالیه تجدید نظر نموده و مطابق احکام قانون غرض طی مراحل بعدی به مراجع ذیصلاح ارایه نماید. از مطالعه ماده مزبور به این نتیجه می رسم عایدات شاروالی که از اخذ محصولات و فیسهای عرضه خدمات این نهاد جمع آوری می شود در راستای کاهش فقر در سطح شهر ، انکشاف صنعت، اشتغالزایی، رفاه شهروندان و سایر موارد به مصرف می رسد. به طور مثال در اینجا گفته می توانیم که وظایف و مسوولیتهای شاروالی که در اصل تنظیم امور شهری و تطظیف آن می باشد . اما نا گفته نباید گذاشت که موارد گوناگونی رااز قبیل تنظیم ترافیک، برداشت موانع از جاده های عمومی شهر، محو زباله ها و ... را در بر می گیرد.

نافذ می باشد و قانون شاروالی ها منتشره جریده رسمی شماره ۷۹۴ رجب المرجب ۱۴۲۱ هجری قمری ملغی گردیده است.

شاروالی در فقره ۴ ماده چهارم قانون شاروالی ذیلا تعریف شده است:« شاروالی شخصیت حکمی عامه است که به منظور اداره امور شهری و عرضه خدمات فعالیت نموده و در اجرای وظایف و اعمال صلاحیتهای خویش احکام این قانون و سایر اسناد تقنینی را رعایت می کند....»

با توجه به مندرجات ماده هفتم قانون شاروالی این نهاد به درجه اول ، دوم و سوم طبقه بندی می گردد درجه شاروالیها در ضمیمه شماره ۱ این قانون درج می باشد که بعداً به محتویات آن پرداخته میشود . درجه شاروالیها مطابق احکام مندرج فصل دهم این قانون ارتقاء یا تنزیل می یابد. شاروالی هایکه مطابق حکم مندرج فقره (۳) این ماده ارتقاء یا تنزیل می یابد مکلف است وظایف و صلاحیت های مندرج ضمیمه مربوط را اجرا یا اعمال نماید.

شاروالیهای درجه یک عبارتند از: کابل- مزار شریف - هرات- جلال آباد- کندهار . شاروالیهای درجه دو عبارتند از : لشکرگاه- کندز- پلخمري- زرنج- غزنی- خوست- تالقان – فراه . سایر شاروالیها و شاروالیهای که بعد از انفاذ این قانون ایجاد می گردد شاروالیهای درجه سوم می باشد.

بعد از مختصر معلومات که پیرامون شاروالی ارایه گردید وارد بحث اصلی که عواید و وظایف شاروالیها مدنظر است می شویم.

ابتدا سعی می شود در مورد عواید شاروالی صحبت نموده تا بعد وظایف این نهاد را مورد تعمق قرار دهیم .

عواید شاروالی عبارت از محصول ، فیس و سایر منابع عایداتی که در ماده ۱۰۴ این قانون پیش بینی گردیده می باشد. انواع عواید شاروالی در ماده متذکره ذیلا تصریح گردیده است: (۱)محصولات و فیس های ذیل منابع عایداتی شاروالی ها می باشد که بعد از انفاذ این قانون شاروالی ها از ان ها عواید جمع آوری می نمایند: